**اسم مستعار: نام مستعار در فرهنگ رسانه ای**

**پاکنهاد، مهدی**

روزنامه‏نگاران جوان را در برابر 2 انتخاب قرار می‏دهد؛کنار رفتن سریع از عرصه یا آماده شدن‏ برای پذیرش ضربات.روزنامه‏نگار یا می‏پذیرد که از بایدها و نبایدهای روزنامه‏نگاری عدول‏ کند و ضربه‏پذیر شود یا اینکه سر تعظیم فرود می‏آورد.

برای اینکه وزن سانسورهای داخلی نسبت به‏ سانسورهای بیرونی تقویت شود،روزنامه‏نگاران‏ باید نسبت به ایجاد یک نهاد موثر که قضاوت‏ منتقدانه داشته و قادر باشد مشروعیت خاص‏ خود را مطرح کند،اهتمام ورزند.

باید یک نهاد رسیدگی به ورود افراد به این‏ حرفه طراحی شود؛نهادی که قادر باشد این‏ عرصه را در برابر ورود افرادی که قواعد بازی‏ را قبول ندارند،حفظ کند.این کافی نیست که‏ روزنامه‏نگاران را وادار به ادای سوگند کنیم، بلکه لازم است آنها خودشان آمادگی رعایت‏ موثر قواعد را داشته باشند.مستقل‏ترین‏ عرصه‏ها-مانند عرصه ریاضی‏دانان-کمتر توسط نهادهایی از نوع«نظم حرفه‏ای»هدایت‏ می‏شوند.آنچه موجب تعجب می‏شود تمایل‏ محافل روزنامه‏نگاری است به ایجاد رسوایی‏های‏ خاص و اعمالی که نقض آشکار قواعد رسمی این‏ شغل‏اند.باید عملکردهای اجتماعی این‏گونه‏ از«قانون محفل»را که مانع از حمله به رقبا می‏شود تحلیل کرد.بنابه دلایلی-که من به‏ خوبی متوجه نمی‏شوم-عرصه روزنامه‏نگاری‏ نقد دوطرفه را رد می‏کند.این نقد در عرصه‏های‏ دیگر تولید فرهنگی به کار می‏رود و اصولا همه پیشرفت‏های علم،هنر و ادبیات بر آن‏ متکی است.روزنامه‏ها یک پنجاهم اطلاعاتی‏ را که درباره رقبای خود دارند،چاپ نمی‏کنند و بسیار نادر است که محفل روزنامه‏نگاری‏ بحث‏هایی را ایجاد کند که به نظر من،موجب‏ افزایش استقلال بشوند.شاید از دل چنین بحث‏ و جدل‏هایی یک وجودشناسی عملی واقعی‏ بیرون بیاید.گاهی پیش می‏آید که یک روزنامه‏ مطلبی را بگوید که بسیاری از روزنامه‏نگاران‏ می‏دانند ولی در موقعیتی نیستند که آن را افشا کنند.

بنابراین نمی‏توان انتظار تقویت پایدار اخلاق‏ روزنامه‏نگاری را داشت.البته این‏طور نیست که‏ این موضوع فقط در مورد روزنامه‏نگارها صدق‏ کند.هنرمندان،نویسندگان و دانشمندان و حتی سیاسیون و نیز همه شهروندان،از تقویت‏ شرایط اجتماعی فضیلت روزنامه‏نگاری منتفع‏ هستند.با توجه به اهمیت بالای روزنامه‏نگاری‏ در همه عرصه‏های تخصصی(حقوق،امر قضا، پزشکی و فرهنگ)،عرصه روزنامه‏نگاری‏ این امکان را دارد که همه چیزهایی را که از خارج به آن تحمیل می‏شوند،به همه عرصه‏ها تحمیل کند.برای مثال،من به نقد می‏اندیشم‏ که استقلالش یکی از شرایط اصلی استقلال‏ جهان تولید فرهنگی است(ادبیات،هنر، علم و غیره).فقط یک آگاهی عمیق نسبت‏ به مکانیسم‏های این استقلال است که عرصه‏ روزنامه‏نگاری را به سوی گذر از محدودیت‏ها -بدون درهم شکستن اخلاق-سوق می‏دهد. علم جامعه‏شناسی بدون اینکه بخواهد گروه‏های اجتماعی را در زمینه جبری محصور کند،ابزاری را ارائه می‏دهد که به ما کمک‏ می‏کنند تا حدی از این زمینه جبری خلاص‏ شویم.به عبارت دیگر،جامعه‏شناسی به دور از ناامید کردن روزنامه‏نگارها-زیرا آگاهی را ارتقا می‏دهد-شانس رها شدن از محدودیت‏ها را بالا می‏برد.حال این بر عهده روزنامه‏نگار است‏ که باید طوری از محدودیت‏ها بیرون بیاید که‏ متهم به زیرپا گذاشتن اخلاق نشود

ترجمه:محسن ایمانی

منبع:

www.homme-moderne.org

اسم مستعار نام مستعار در فرهنگ رسانه‏ای

مهدی پاک‏نهاد

«تام»جلوه‏ای از حقیقت است.می‏توان با اشاره به یک نام،به حقیقتی در فراسوی آن نظر داشت.گزینش یک«اسم»،بیانگر بسیاری از خواسته‏هاست که گزینشگر،در انتخابش،آنها را ملاک و منظور داشته است.نمونه آشکار این مسئله را در انتخاب نام کودکمان تجربه‏ می‏کنیم.نام کودک ما،تبلور و فشرده تمامی‏ آرزوهایی است که ما-والدین این کودک- برایش می‏خواهیم.نام،دلالت است.حضور انسان در میانه اشیا،فی الواقع حضور در میانه‏ نام‏هاست.نسبت میان انسان و شی‏ء،برپایه‏ دلالت نامی است که انسان بر شی‏ء می‏نهد. بنابراین اشیاء نظامی از ارجاعات هستی‏ شناختی ما را تشکیل می‏دهند.اشیاء آن‏ چیزی هستند که ما می‏خواهیم و خواسته ما، آن چیزی است که ما می‏نامیم.

نام،تبلور میل است.زمانی که نامی را برمی‏گزینیم،چیزی از خودمان را در آن‏ به جا می‏گذاریم،نقشی از فردیت‏مان را بر آن می‏نهیم و آن را آن چیزی می‏کنیم که‏ «خواسته‏ایم»باشد.ما می‏نامیم و به این ترتیب‏ غیاب را به صورتی از حضور وامی‏سازیم.

فرهنگ استفاده از نام مستعار،در ادبیات‏ رسانه‏ای ما،فرهنگی شایع است.مستعار-به‏ ویژه در مطبوعات و در سال‏های اخیر نیز در اینترنت-مورد استفاده بسیاری از نویسندگان‏ و کاربران فضای سایبر بوده است.بهره‏گیری از نام مستعار،گاه از صورت یک خواست شخصی‏ خارج شده و به یک دستور العمل نانوشته، جهت بقا در فضای رسانه‏ای مبدل می‏شود.هر یک از ما اگر مخاطب مطبوعات باشیم،با انواع‏ گوناگونی از اسامی مستعار برخورد داشته‏ایم و اگر هم خود از اهالی مطبوعات باشیم،دست‏کم‏ برای یک‏بار هم که شده(اگر به استعاره امر مستعار تن نسپرده باشیم)نسبت به ضرورت‏ به کارگیری آن،طرف نصیحت و گوشزد یکی‏ از همکاران واقع شده‏ایم.گاه شاهدیم نام‏ مستعار یک شخص،چنان مکرر استفاده‏ می‏شود که اسم حقیقی او را تحت الشعاع قرار می‏دهد.بسیاری از نویسندگان،با نام مستعار خود مشهور می‏شوند و بسیاری نیز با همین‏ نام مستعار در دل تاریخ به ثبت می‏رسند. برخی نویسندگان نام‏های مستعار متعددی‏ دارند و به اقتضای زمان و مکان،از یکی از این‏ اسامی استفاده می‏کنند،برخی نیز در طول‏ فعالیت حرفه‏ای‏شان به تدریج نام‏های مستعار جدیدی را جایگزین نام‏های قبلی می‏کنند. گاه می‏بینیم نام مستعار شخصی(با مراجعه به‏ ثبت‏احوال)تبدیل به نام حقیقی او می‏شود و در برخی موارد نیز-که البته معدودند-نام مستعار اخیرا حقیقی شده(با مراجعه مجدد به ثبت‏ احوال)جای خود را به نام جدیدی می‏سپارد. مختصر اینکه،چرخه بهره‏گیری از نام‏های‏ رستعار،چرخه‏ای طبیعی در زیست رسانه‏ای ما به حساب می‏آید و بازی نام‏ها،بازی پربازیگری‏ در زمین ژورنالیسم ما قلمداد می‏شود.

برای استفاده از نام مستعار،دلیل رسمی و قانع‏کننده‏ای وجود دارد؛ملاحضات سیاسی و امنیتی.همچنین یک دلیل غیررسمی اما باز قانع‏کننده نیز مطرح است؛علائق شخصی-در مورد ملاحظات سیاسی،بحثی نیست؛علت‏ روشن است و ضرورت استفاده از نام مستعار آشکار.اما در مورد علائق شخصی،جا دارد تعمق بیشتری صورت گیرد.اگر علت سیاسی‏ را کنار بگذاریم،چه انگیزه‏های دیگری موجب‏ استفاده از نام مستعار می‏شوند؟زمینه‏هایی که‏ امکان شکل‏گیری نام مستعار را پدید می‏آورند، کدامند؟اساسا نام مستعار دلالت بر چه دارد؟ و نهایتا اینکه ما،در انتخاب نام مستعار،چه‏ حضوری را جایگزین غیاب می‏کنیم؟

نام مستعار چیست؟ارائه یک پاسخ مناسب‏ به این پرسش،مسیر بحث ما را روشن خواهد ساخت.نام مستعار یک«نام جایگزین»است. این بدان معناست که در ابتدا نامی وجود داشته -که ما از آن تعبیر به«نام حقیقی»می‏کنیم-و سپس نام دیگری به جای آن نشسته است.نکته‏ دیگر اینکه این نام جایگزین،یک نام«موقتی» است یا بهتر است بگوییم نام مستعار،دقیقا همان نقشی که نام حقیقی برعهده دارد(به‏ مثابه عنوانی که فرد را در طول عمرش در اجتماع،نسبت به دیگر افراد متمایز می‏سازد و تشخصی مستقل و واحد به او می‏بخشد)را برعهده ندارد بلکه با به رسمیت شناختن نام‏ حقیقی،به خاطر کارکرد ویژه‏اش،صرفا به‏ صورت«موقت»تشخص و هویت‏بخشی فرد را به عهده می‏گیرد.بنابراین همواره باید به نقش‏ «ثانویه»این نام که آن را از نقش اولیه اسم‏ حقیقی متمایز می‏سازد،توجه داشت.

اشاره شد که نام مستعار دارای کارکرد ویژه‏ای‏ است.بنابراین نکته سوم در شناخت نام مستعار، کار ویژه‏ای است که این عنوان برعهده دارد و اساسا به خاطر همین کار ویژه است که می‏توان‏ به موازات نام حقیقی از آن استفاده کرد.این کار ویژه به دو شکل کلی خود را نمایان می‏سازد: 1-مخفی ساختن نام حقیقی،2-آشکار ساختن یک هویت مستقل.

با توجه به موارد فوق می‏توان نام مستعار را به‏ شکل زیر تعریف کرد:

«نام مستعار،عنوان جایگزین و موقتی‏ است که جهت مخفی ساختن نام حقیقی‏ یا آشکار ساختن یک هویت مستقل یا هردو، مورد استفاده افراد قرار می‏گیرد.»

این تعریف الزاما جامع و مانع نیست؛با این‏ وجود تعریفی است که با برجسته ساختن وجوه‏ اصلی نام مستعار،این امکان را در اختیار ما قرار می‏دهد تا با تکیه بر آن به پرسش اصلی این‏ نوشته،یعنی علل و انگیزه‏های استفاده از نام‏ مستعار در فرهنگ رسانه‏ای پاسخ گوییم.

اشاره شد که نام مستعار به مثابه نامی موقت‏ و جایگزین،گاه برای مخفی ساختن نام حقیقی‏ مورد استفاده قرار می‏گیرد.این مخفی ساختن‏ حقیقت،به چه علت است؟مقاله‏ای که بر پیشانی‏اش،به جای نام حقیقی نویسنده،نام‏ مستعار به چشم می‏خورد،فی الواقع در صدد بیان و القای این نکته است که این مقاله‏ را«کسی»نوشته است اما این شخص،نه‏ نویسنده حقیقی بلکه یک نویسنده مجازی‏ است؛نویسنده‏ای مجازی که با گذاشتن‏ نام استعاری‏اش بر پیشانی این مقاله،هم نام‏ حقیقی را پنهان می‏سازد و هم درعین‏حال، به نام حقیقی«دلالت»دارد.در اینجا ما با «وانموده»ای از نویسنده سروکار داریم.هویت‏ حقیقی و مجازی پنهان شده و به این ترتیب، یک«دیگری»جایگزین«من»نویسنده شده‏ است.

بهره‏گیری سیاسی-امنیتی،یکی از مهم‏ترین دلایل این بازی وانموده‏هاست. اما از آن بگذریم،دلایل دیگری نیز وجود دارد که وجه مخفی‏ساز نام مستعار را توجیه‏ می‏کند.از جمله می‏توان به کثرت مطالب‏ تکراری در مطبوعات اشاره داشت.زمانی‏ که من به عنوان یک روزنامه‏نگار،موظف‏ باشم هرروز صفحه‏ای یا ستونی را با مطالب‏ تولیدی‏ام پر کنم،طبیعی است که پس از مدتی گرفتار معضل«تکرار»خواهم شد.برای‏ یک روزنامه‏نگار،به لحاظ اعتبار حرفه‏ای،هیچ‏ چیز بدتر از تکراری شدن نوشته‏هایش نیست. روزنامه‏نگار با پیگیری اخبار روز و رویدادهای‏ داخلی و خارجی مختلف،با مطالعه منظم‏ مباحث مرتبط با حوزه کاری‏اش و برخورد و مراوده با همکاران و کارشناسان و متخصصان، تلاش می‏کند تا خود را به روز و سطح مطالبش‏ را بالا نگاه دارد.اما چنانچه این روند سیر نزولی‏ به خود گیرد،آن‏گاه او مجبور خواهد بود با تقسیم نوشته‏هایش به درجه یک و درجه 2، نوشته‏های درجه 2 را تحت عنوان دیگری به‏ چاپ برساند.درعین‏حال ممکن است نام‏ مستعار،نه به خاطر تکراری شدن مطالب‏ بلکه صرفا به جهت تنوع و کثرت مطالب‏ باشد.ممکن است نویسنده‏ای در حوزه‏های‏ گوناگون قلم‏فرسایی کند و تمایل نداشته باشد در برخی حوزه‏ها شناخته شود و ازاین‏رو از آوردن نام حقیقی خود،خودداری کند. حرفه‏ای بودن و تخصصی‏نویسی برخی‏ روزنامه‏نگاران نیز گاه موجب اختیار کردن نام‏ مستعار می‏شود.نویسنده‏ای که به عنوان یک‏ منتقد ادبی در مطبوعات مطرح شده باشد، چنانچه به دلایلی بخواهد مثلا در یک روزنامه‏ ورزشی مطلبی به چاپ برساند،ممکن است از اسم مستعار استفاده کند.همچنین در کمال‏ تاسف باید اشاره کرد که یکی دیگر از موارد به کارگیری اسم مستعار،هنگامی است که‏ شخصی بخواهد دزدی ادبی کند.طبعا زمانی‏ که قرار است از نوشته کسی به نفع خود استفاده‏ کنیم،بهتر آن خواهد بود که به جای آوردن‏ اسم حقیقی،از اسم مستعار بهره ببریم.

در فضای مجازی،علاوه بر موارد بالا،می‏توان‏ علل دیگری را نیز در به کارگیری نام مستعار مشاهده کرد.اینترنت نیز همچون اشکال دیگر اطلاع‏رسانی،یک رسانه است و طبعا دارای‏ تمامی خصوصیات یک رسانه همگانی؛یعنی‏ ابزاری جهت انتقال اطلاعات یا پیام از یک‏ فرستنده به یک گیرنده.بنابراین این ابزار نیز همچون دیگر ابزارهای رسانه‏ای برپایه مفهوم‏ «گذار»و«ثبات».تمامی سایت‏ها و وبلاگ‏ها «به روز» (Up to date) می‏شوند و به صورتی‏ مستمر،محتوای خود را تغییر داده و تازه‏ترین‏ اطلاعات را ارائه می‏دهند،مخاطبان خود را به‏ اشکال مختلف افزایش داده و آنها را در جریان‏ یک انفجار اطلاعاتی،گیج و منگ می‏کنند تا از طریق این دگرگونی و انتقال مستمر اطلاعات،در رقابت بی‏پایان جلب مخاطب‏ حذف نشوند.به این ترتیب،کل فضای مجازی‏ سایبر را می‏توان یک ژورنال عظیم یا ابرژورنال‏ (Super Journal) دانست.اینترنت،به‏ عنوان یک رسانه،نهایتا گستره‏ای عمومی‏ را برمی‏سازد که در آن،حضور جمعی افراد و تبادل مستمر دال‏ها منظور نظر است؛دال‏هایی‏ که الزاما به یک مدلول ارجاع نمی‏شوند؛ دال‏هایی که در سطح دال می‏مانند و هیچ‏ محتوا،معنا،منطق و گفتمان از پیش تعریف‏ شده‏ای مدلول‏شان قرار نمی‏گیرد.طبیعی‏ است که در چنین فضایی«حقیقت»جایی‏ ندارد؛آنچه هست،وانموده‏ای از حقیقت‏ است؛نشانه (sign) حقیقت است.در چنین‏ فضایی،استفاده از نام حقیقی،خود،یک‏ استعاره است. ازهمین‏رو،اهمیت و جایگاه‏ ویژه نام حقیقی،در فضای مجازی زیر سوال‏ رفته و بی‏معنا شده است.همه کسانی که به‏ فضای اینترنت وارد می‏شوند،صاحب یک‏ Id (شناسه)می‏شوند و از آن به بعد،همین‏ Id برسازنده هویت کاربر است نه نام حقیقی او. من با شناسه کاربری‏ام تعریف می‏شوم،صاحب‏ فضا می‏شوم،عضو می‏شوم،پیغام می‏فرستم، پیغام می‏گیرم و...بنابراین مسئله اینترنت،به‏ خاطر ساختار مجازی استثنایی‏اش،تا حدود زیادی تمایزها و تعاریف مربوط به عناوین‏ حقیقی و مجازی را به چالش کشیده است.

باوجوداین،این تمامی ماجرا نیست. مسئله نام حقیقی و مستعار،به‏رغم‏ کمرنگ شدن‏شان،همچنان جایگاهی را در رسانه اینترنت دارا هستند.هنوز هم،با توجه‏ به واقعیت بیرونی-اجتماعی خارج از فضای‏ مجازی،می‏توان به دلالت‏های نام حقیقی‏ مطمئن بود و هنوز هم با اطمینان به اینکه نام‏ حقیقی،واجد یک حقیقت عینی است،از آن‏ در مناسبات مجازی استفاده کرد.در اینترنت، هنوز بسیاری کسان از نام حقیقی استفاده‏ می‏کنند و بسیاری کسان از نام مستعار. بنابراین جا دارد که پرسش نوشته حاضر را در حوزه فضای سایبر نیز پی گرفت.

مشهور است که در اینترنت،شخص مجاز است هر سخنی بگوید.هیچ محدودیتی‏ -چه به لحاظ فرم و چه به لحاظ محتوا- مانع اظهارنظر افراد نخواهد شد.اینترنت، رسانه همگان برای همگان است.هر شخصی‏ می‏تواند صاحب پیامی باشد.هرکسی‏ این حق را دارد که آنچه مهم می‏پندارد،به‏ اطلاع همگان برساند.تا پیش از شکل‏گیری‏ فضای مجازی،فعالیت خبری و اطلاع‏رسانی، یک فعالیت حرفه‏ای و محدود به تعدادی‏ متخصص بود که با در اختیار داشتن رسانه‏ها -به‏ویژه بنگاه‏های خبری،مطبوعات و سپس‏ رادیو و تلویزیون-جریان اخبار و اطلاعات را هدایت کرده و درواقع میانجی میان اطلاعات‏ و جامعه بودند اما امروزه،اطلاعات به گستره‏ همگانی وارده شده و شبکه تولید،انتقال و توزیع خبر در یک جریان پیچیده سیستمی، تمامی حاضران در فضای مجازی را دست‏اندرکار ساخته است.این عمومی‏سازی‏ جریان اطلاع‏رسانی،نتایج متعدد و گاه‏ شگفت‏آوری به دنبال داشته است که البته‏ یکی از نتایج آن تخصص‏زدایی از مقوله‏ ژورنالیسم و قرار گرفتن کاربران اینترنت در مقام کارشناسان بوده است.اکنون کافی است‏

بدون ذکر نام در این وب

اینترنت یک رسانه است.این ابزار نیز همچون دیگر ابزارهای رسانه‏ای برپایه مفهوم‏ «گذار»و«سیالیت»استوار است تا مفهوم«حضور»و«ثبات».تمامی سایت‏ها و وبلاگ‏ها «به‏روز» Up to date می‏شوند و به صورتی مستمر،محتوای خود را تغییر داده و تازه‏ترین‏ اطلاعات را ارائه می‏دهند.مخاطبان خود را به اشکال مختلف افزایش داده و آنها را در جریان یک انفجار اطلاعاتی،گیج و منگ می‏کنند تا از طریق این دگرگونی و انتقال مستمر اطلاعات،در رقابت بی‏پایان جلب مخاطب حذف نشوند.به این ترتیب،کل فضای مجازی‏ سایبر را می‏توان یک ژورنال عظیم یا ابرژورنال Super Journal دانست.اینترنت، به عنوان یک رسانه،نهایتا گستره‏ای عمومی را برمی‏سازد که در آن،حضور جمعی افراد و تبادل مستمر دال‏ها منظورنظر است؛دال‏هایی که الزاما به یک مدلول ارجاع دادن‏ نمی‏شوند؛دال‏هایی که در سطح دال می‏مانند و هیچ محتوا،معنا،منطق و گفتمان از پیش‏ تعریف شده‏ای مدلول‏شان قرار نمی‏گیرد.طبیعی است که در چنین فضایی«حقیقت» جایی ندارد؛آنچه هست،وانموده‏ای از حقیقت است؛نشانه (sing) حقیقت است.

کاربر،یک فضای مجازی-همچون سایت یا وبلاگ-در اختیار داشته باشد تا درباره هر موضوعی که مورد علاقه‏اش است،اظهارنظر کند.به عبارت دیگر،برای اظهارنظر،نه‏ صلاحیت بلکه الزاما امکانات مورد نیاز است. البته این به معنای نادیده گرفتن بسیاری از متخصصان،کارشناسان،دست‏اندرکاران و مسئولان حوزه‏های گوناگونی که اینترنت را محملی برای بیان دیدگاه‏ها و آرای خود قرار داده‏اند،نیست.طبعا این افراد نیز به جای‏ خود صاحب‏نظرند و اظهاراتشان،مخاطبان‏ خاص خود را دارد.مسئله صرفا این است که‏ برخلاف قوالب سنتی اطلاع‏رسانی،اظهارنظر، محدود به کارشناسان و متخصصان نیست‏ بلکه هرکسی می‏تواند«به عنوان»کارشناس‏ در فضای اینترنت اظهارنظر کند.این مسئله تا حدود زیادی،از جمله عوامل به کارگیری نام‏ مستعار در فضای اینترنت محسوب می‏شود؛ از سویی به این دلیل که حتی در اینترنت نیز اظهارنظرهای سیاسی ضدحکومتی ممکن‏ است تحت پیگردهای قانونی قرار گیرد و از سوی دیگر به این دلیل که ارزیابی‏های‏ غیرتخصصی و اظهارنظر درباره هر چیز و هرکس،می‏طلبد که از نام مستعار استفاده‏ شود چرا که الزام به پاسخگویی را منتفی‏ می‏سازد.علاقه مفرط ایرانیان به اظهارنظر در مقام کارشناس و درعین‏حال عدم علاقه‏ مفرطشان به مسئولیت‏پذیری و پاسخگویی‏ به عواقب این اظهارنظر،خود از جمله مسائلی‏ است که جا دارد به عنوان یک موضوع‏ مستقل مورد بحث قرار گیرد.نام مستعار در حقیقت همچون سپری است که من در پشت آن پنهان شده و آن‏گاه با خیالی آسوده، میل به همذات‏پنداری یا متخصصان را ارضا می‏کنم.صفحه شیشه‏ای و سرد مانیتور،خود در حکم سپر اولیه حفاظتی من،در قبال‏ غوغای جهان مجازی است.نام مستعار نیز به عنوان یک سپر مکمل،کار پنهان‏سازی‏ راتکمیل می‏کند.آن‏گاه،من به مثابه قدرت‏ مطلق دنیای مجازی دست به کار می‏شوم، به شکل متخصص شفابخش اقتصاد بیمار ایران درمی‏آیم و دستورات لازم الاجرایی به‏ مسئولان امر می‏دهم یا به صورت سوژه خلاق‏ ادبی نمایان شده و در بازی مناسبات ادبی‏ مجازی،در مقام یک نویسنده یا یک منتقد، به آسیب‏شناسی وضعیت اسفبار فرهنگ‏ برمی‏آیم.شاید هم علاقه داشته باشم عضوی‏ از اعضای بنگاه دوست‏یابی شده و در مقام‏ سمبل زیبایی‏های مردانه(یا زنانه)به دنبال‏ همتایی برای خود بگردم.در مجموع آنچه‏ مهم است،عدم نیاز،از جنس همان عدم‏ نیازی است که سرنشینان تاکسی‏های‏ وطنی،به هنگام تحلیل مسائل سیاسی روز جامعه دارند؛وقتی که در احکام‏شان«آنها» را-بی‏آنکه ضرورتی به روشن ساختن ماهیت‏ «آنها»باشد-مسئول تمامی مشکلات جامعه‏ می‏دانند.درباره ماهیت این ضمیر سوم‏ شخص جمع نیز یک توافق جمعی«مجازی» حاصل شده است که ضرورت هرگونه«توضیح‏ کارشناسانه»را منتفی می‏سازد.

در پشت انتخاب نام مستعار،همچنین‏ می‏توان رگه‏هایی از میل به«ابهام»و «رازورزی»را دید که این خود ممکن است‏ برگرفته از سنت«پنهان‏پرستی»باشد؛ سنتی که شفافیت،وضوح و دقت را پس‏ می‏زند و در عوض،پنهان‏کاری،رازورزی و اصطلاحا«خفاخوری»را پاس می‏دارد.میل‏ به رازورزی درواقع لذت غریبی است که فرد از پنهان ماندن،ناشناس ماندن و«بازی در پشت‏ پرده»می‏برد.به این تعبیر می‏توان نام مستعار را این‏گونه تفسیر کرد؛«من هستم.من همان‏ من هستم.اما تو هیچ‏گاه نخواهی دانست که‏ من که هستم.».همین تفسیر را می‏توان‏ بدین‏صورت تعمیم داد که نام مستعار در حکم تکثیر«من» (ego) نویسنده است.به‏ این بیان،نام مستعار اساسا برخاسته از میل‏ نویسنده به تکثیر«منیت»اش در قالب اسامی‏ متعدد مجازی و بدین وسیله،فربه‏سازی من‏ نمادین‏اش است.نام مستعار،شکل دیگری‏ از همان«من محوری» (egology) است‏ و ریشه در پنهان‏سازی نفس (self) و نام‏ دارد.زمانی که نامی را برمی‏گزینیم،چیزی‏ از خودمان را در آن به جا می‏گذاریم؛نقشی از فردیت‏مان را بر آن می‏نهیم و آن را،آن چیزی‏ می‏کنیم که«خواسته‏ایم»باشد